گزارش کوتاه
مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان
دوره دوازدهم، آبان ۱۳۹۲، ۶۷۲-۶۶۷

بررسی عوامل انگیزشی دخیل در ورود زنان به درمان نگهدارنده با متادون: یک گزارش کوتاه

مسعوده باباخانیان[۱]، زهرا علم مهرجردی[۲]، نعمت ستوده[۳]،یحیی شنایی[۴]، سارا توانا[۵]

دریافت مقاله: ۹۰/۶/۲۷ ارسال مقاله به نویسنده جهت اصلاح: ۹۰/۸/۲۱ دریافت اصلاحیه از نویسنده: ۹۱/۸/۲۰ پذیرش مقاله: ۹۱/۸/۲۲

چکیده

زمینه و هدف: زنان هر روز بیشتر از قبل گرفتار اعتیاد و عوارض و پیامدهای آن می شوند و حضور زنان در کلینیک‌های درمان اعتیاد با متادون هر روز پررنگ‌تر از قبل می‌شود. مطالعه حاضر با هدف بررسی عوامل انگیزشی مؤثر در ورود زنان به درمان نگهدارنده با متادون در جنوب غرب تهران در سال ۱۳۸۹طراحی و اجراء گردید.

مواد و روش‌ها: در این پژوهش مقطعی با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس از ۱۶ کلینیک درمان اعتیاد، تعداد ۶۹ زن وابسته به تریاک و هرویین انتخاب و پس از تکمیل اطلاعات پایه مطابق با نمایه شدت اعتیاد، با آن‌ها مصاحبه حضوری صورت پذیرفت. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار و درصد استفاده گردید.

یافته‌ها: میانگین و انحراف‌معیار سنی مصاحبه شوندگان حدود ۸/۰۱±۳۵ سال و بود. تحلیل داده‌ها نشان‌دهنده تأثیرات زیر در افراد بود: ۱- کسب اطلاعات در رابطه با درمان متادون از منابع اطلاع‌رسان در جامعه برای ۳۴ نفر (۴۹/۱۷٪)، ۲- توصیه آشنایان و دوستان موفق تحت درمان یا درمان شده برای ۳۱ نفر (۴۴/۷۲٪)، ۳- تشویق اعضاء سالم خانواده برای ۲۲ نفر (۳۱/۷۸٪)، ۴- نیاز به مراقبت از خانواده و فرزندان برای ۱۹ نفر (۲۷/۵۸٪)، ۵- نیاز به مصرف دارو برای رفع پیامدهای حاصل از مصرف افیون‌ها برای ۳۰ نفر (۲۹/۳۰٪) و ۶- نارضایتی از سایر برنامه‌های درمانی اعتیاد برای ۱۰ نفر (۱۴/۲۹٪).

نتیجه‌گیری: نتایج به دست آمده نشان‌دهنده تأثیر عمیق اطلاع‌رسانی در سطح جامعه و نقش اطرافیان درمان‌جویان در ورود به درمان از یک سو و نقش پاره‌ای دیگر از عوامل برخاسته از خود درمان بود.

واژه‌های کلیدی: وابستگی، زنان، درمان نگهدارنده با متادون، عوامل انگیزشی

۱- کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی، بیمارستان ولایت دامغان، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران
تلفن: ۰۲۳۲-۵۲۳۵۱۱۱، دورنگار: ۰۲۳۲-۵۲۴۲۹۹۰، پست الکترونیکی: Babakhanian.m@gmail.com
۲- کارشناس ارشد گروه آموزشی روانشناسی عمومی، مرکز ملی مطالعات اعتیاد، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۳- استادیار گروه آموزشی روانپزشکی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران
۴- پزشک عمومی، مرکز درمان نگهدارنده با متادون منجی دامغان، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران
۵- کارشناس گروه آموزشی روانشناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.17353165.1392.12.8.1.9]

مقدمه

اعتیاد به عنوان یک بیماری که دارای آسیب‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی بسیاری است، پیش از هر چیز نیازمند شناخت و درکی صحیح از این پدیده می‌باشد. اعتیاد زنان که طبیعتاً دارای آسیب‌های خانوادگی و اجتماعی قابل توجه‌ای می‌باشد کمتر مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفته است در حال که اعتیاد در این گروه از جامعه در حال افزایش است [۱].

از طرفی دیگر فزونی آسیب‌های اجتماعی، خطرات و هزینه‌های اعتیاد بر جامعه و سامانه بهداشتی- درمانی و رفاهی کشور در خور توجه جدی می باشد. عوامل ورود به درمان اعتیاد در زنان، لزوماً با مردان یکسان نیست و به نظر می‌رسد که انگیزه‌ها، دغدغه‌ها و مشکلات پیش روی زنان معتاد با مردان تفاوت‌های بسیاری داشته باشد [۲].

مطالعه Yasami و همکاران که در اورژانس‌های کشور و به صورت مصاحبه رو در رو انجام شده است نشان می‌دهد که ۲۰/۷ در هزار (حدود ۲٪) زنان، مصرف تریاک یا مشتقات آن را در زمان انجام مطالعه تأیید کردند و ۳/۵ در هزار این افراد، دارای تشخیص وابستگی به مواد افیونی بوده‌اند. این مطالعه رقم زنان مصرف‌کننده تریاک در زمان انجام مطالعه را بیش از ۶۵۰ هزار نفر و معتادین به تریاک را بیش از ۱۱۰ هزار نفر و مصرف‌کنندگان و معتادان هروئین را بیش از ۱۰ هزار نفر تخمین زده است. مطالعات پراکنده دیگری نیز در کشور انجام شده است که طبیعتاً قابل تعمیم به جمعیت عمومی کل کشور نمی‌باشد [۱].

در مطالعه Rahimimovaghar که جامع‌ترین مطالعه انجام شده تاکنون می‌باشد، جمعیت زنان معتاد به مواد افیونی در کشور بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار نفر تخمین زده شده است. شیوع مصرف الکل در جمعیت عمومی زنان بالاتر از ۱۵ سال، ۰/۲٪ برآورد شده است. به نظر می‌رسد مصرف حشیش در میان زنان شیوع زیادی ندارد. اما در گروه‌های خاصی مانند معتادان به مواد افیونی و یا گروه‌هایی از دانشجویان، این آمار بیشتر است. در ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای دنیا، روند سوء مصرف و وابستگی به مواد در گروه زنان رو به افزایش است. تا سال ۱۳۷۱ تنها ۵/۸٪ از افراد سوء مصرف‌کننده مواد در جمعیت معتادان را زنان تشکیل می‌دادند اما این رقم بعد از این سال، به ۹٪ افزایش یافت. اگر چه میزان دسترسی به مواد و سوء مصرف آن، هم‌چنان در مردان، بیشتر است اما روند رو به رشد این مسأله در زنان نگران‌کننده و قابل تأمل می‌باشد [۲].

در حال حاضر درمان وابستگی به مواد، یکی از مهم‌ترین مشکلات سلامت عمومی است. اگرچه مردان فرصتهای بیشتری برای دستیابی به مواد و سوء مصرف آن دارند، ولی قابلیت دسترسی به مواد برای زنان نیز افزایش یافته است. تا جایی که احتمال تجربه مصرف مواد برای زنان در ایران نیز به سرعت در حال گسترش است [۳]. مطالعات در کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد که قرار گرفتن در معرض حوادث استرس‌آمیز تهدید کننده سلامت روان و همچنین مسمومیت با مواد [۴] زنان را برای ورود به درمان تشویق می‌کند. در جامعه ایران به دلیل نگرش منفی نسبت به زنان مصرف‌کننده مواد بسیاری از آن‌ها سعی در مخفی نگاه داشتن اعتیاد خود دارند و کمتر به مراکز درمانی مراجعه می‌نمایند از این رو مطالعات در این زمینه در ایران محدود است و در رابطه با علل درگیر در ورود زنان به درمان نگهدارنده تاکنون هیچ‌گونه پژوهش چاپ شده‌ایی به ثبت نرسیده است. از این رو این مطالعه، اولین پژوهش در این زمینه در کشور است.

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.17353165.1392.12.8.1.9]

مواد و روش‌ها

جامعه و نمونه آماری: پژوهش حاضر از نوع مطالعات مقطعی است. محدوده بررسی در این مطالعه جنوب غرب تهران بود. جامعه آماری شامل کلیه مراجعه کنندگان به کلینیک‌های متادون در جنوب غرب تهران در سال ۱۳۸۹ بود و نمونه آماری شامل ۶۹ زن در سن ۴۵-۱۸ سال بود که با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس از ۱۶ کلینیک انتخاب شدند.

معیارهای ورود به مطالعه عبارت بودند از حداقل سن ۱۸ سال، و داشتن ملاک‌های تشخیصی اعتیاد به تریاک یا هرویین مانند وابستگی شدید جسمی و روانی به مصرف تریاک و هرویین معیارهای خروج از مطالعه عبارت بودند از وجود علایم مسمومیت یا تحمل مواد، مصرف سایر مواد در زمان ورود به درمان مانند مواد محرکی نظیر شیشه و اکستازی و عدم امضاء فرم رضایت‌نامه شرکت در مطالعه. پروتکل انجام این مطالعه نیز توسط دانشگاه تهران تصویب گردید.

شیوه اجراء: ابتداء فرم رضایت‌نامه کتبی شرکت در انجام مطالعه امضاء گردید. سپس مصاحبه انفرادی با هر درمانجو صورت پذیرفت. اطلاعات پایه بر اساس نمایه شدت اعتیاد [۵] جمع‌آوری گردید. پایایی این آزمون در مطالعات مختلف بین ۹۰٪-۸۷٪ و روایی آن بین ۹۲٪-۸۱٪ گزارش شده است [۶]. از آنجا که هیچ‌گونه فرم مصاحبه‌ای برای تأمین اهداف این مطالعه وجود نداشت فرم مصاحبه‌ای برای بررسی این مسأله طراحی گردید. مطالعه پایلوت اولیه بر روی ۲۰ زن درمانجو با این فرم و محاسبه پایایی و روایی آن با روش آزمون- پس آزمون (در فاصله زمانی ۲ هفته) و با استفاده از محاسبه ضریب همبستگی، نشان‌دهنده پایایی و روایی۹۳/۲٪-۹۱٪ آن برای تأمین اهداف مطالعه بود. هم‌چنین جهت بررسی بیشتر روایی، متون و منابع خارجی مرتبط با این امر بررسی گردید و از نظر کارشناسان و متخصصان درگیر در این امر در دانشگاه تهران و مرکز ملی مطالعات اعتیاد ایران استفاده گردید.

تحلیل داده‌ها: تحلیل داده‌ها با روش‌های آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار و درصد) صورت پذیرفت.

نتایج

میانگین و انحراف معیار سنی مصاحبه شوندگان حدود ۳۵±۸/۰۱ سال بود. نیمی از آن‌ها ۳۶ نفر (۵۲/۱۷٪) متأهل بودند. حدود ۱۷ نفر (۲۴/۶۳٪) این افراد مجرد و مابقی مطلقه و بیوه بودند. همچنین، ۴۱ نفر (۵۹/۴۲٪) آن‌ها، دارای تحصیلات زیر دیپلم و ۱۸ نفر (۲۶/۰۸٪)، دارای تحصیلات دیپلم و مابقی، دارای تحصیلات بالاتر بودند. اکثریت درمان‌جویان با خانواده ۶۲ نفر (۸۹/۸۵٪) زندگی می‌کردند و فاقد شغل (۴۲/۰۲٪) و خانه‌دار ۲۰ نفر (۲۹/۸۵٪) بودند. میانگین و انحراف‌معیار سنی اولین مصرف مواد ۲۲±۷/۰۱ سال بود. در رابطه با عوامل انگیزشی، کسب اطلاعات در رابطه با درمان متادون از منابع اطلاع‌رسان در جامعه برای ۳۴ نفر (۴۹/۱۷٪) مهم‌ترین عامل برای ورود به درمان بود.

توصیه آشنایان و دوستان تحت درمان یا تازه درمان شده با متادون برای ۳۱ نفر (۴۴/۷۲٪)، تشویق اعضاء سالم خانواده برای ۲۲ نفر (۳۱/۷۸٪)، نیاز به مراقبت از خانواده و فرزندان برای ۱۹ نفر (۲۷/۵۸٪)، و نیاز به مصرف متادون به عنوان دارویی برای رفع عوارض جسمی و روحی حاصل از مصرف افیون‌ها ۳۰ نفر (۲۹/۳۰٪) به عنوان سایر موارد دخیل در ورود به درمان نگه دارنده با متادون ذکر شد. آخرین عاملی که توسط ۱۰ نفر

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.17353165.1392.12.8.1.9]

(۱۴/۲۹٪) درمان‌جویان بیان شد نارضایتی از سایر برنامه‌های درمانی اعتیاد بود.

بحث

سوء مصرف مواد توسط دختران و زنان مسأله‌ای مهم و دارای ابعاد مختلفی می‌باشد. در بیشتر کشورهای جهان شرایط زندگی زنان متفاوت از مردان است. این تفاوت در مسائل پیرامون درمان سوء مصرف مواد نیز وجود دارد. سوء مصرف مواد توسط زنان بیش از مردان مورد قضاوت‌های منفی و کمتر از مردان مورد توجّه و بررسی قرار می‌گیرد [۷].

جستجو در مقالات و منابع مستند منتشر شده، کمبود اطلاعات موجود در این زمینه را به خوبی نشان می‌دهد. این کمبود اطلاعات نه تنها در منابع داخلی بلکه در منابع بین‌المللی نیز دیده می‌شود. مسأله نگران‌کننده روند افزایش شیوع سوء مصرف مواد در دختران و زنان در مقایسه با مردان در طی سال‌های اخیر می‌باشد. این موضوع با توجه به نقش محوری دختران و زنان در تربیت نسل فعلی و آینده از اهمیّت مضاعفی برخوردار است و درمان متادون یکی از راه‌های کمک‌کننده به کاهش این مسأله است.

نتایج این مطالعه نشان داد که کسب اطلاعات درباره درمان، مهم‌ترین عامل در گرایش زنان مورد مطالعه به درمان بود. این یافته، همگام با یک مطالعه در آمریکا است که نشان داد که منابع رسمی در جامعه عامل مؤثر در تشویق زنان در ورود به درمان می‌باشند [۷]. یافته‌ها نشان داد که مشاهده بهبودی در دوستان و آشنایان، درمانجویان را به این نتیجه رسانده بود که متادون دارو است. این یافته پژوهشی همگام با مطالعات مرکز ملی اعتیاد و سوء مصرف الکل در کانادا است [۶].

پاره‌ایی از درمان‌جویان بیان داشتند که نقش وابستگی به مواد چنان در زندگی‌شان محوریت پیدا کرده بوده که از انجام نقش خانوادگی خود باز مانده بودند. این یافته همگام با مطالعه Dawson است که نشان داد که وجود فرزندان و نیاز به مراقبت از آن‌ها و خانواده عامل مهمی برای ورود زنان به درمان است [۸].

همچنین، تحلیل یافته‌های Kilpatrick نشان داد که خانواده، فرد را برای ورود به درمان تشویق نموده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نقش خانواده و حمایت آن‌ها در ورود به درمان اعتیاد تعیین‌کننده است [۹].

بسیاری از زنان در این مطالعه، نیاز به مصرف متادون را برای رفع عوارض جسمی و روانی حاصل از مصرف افیون‌ها مهم می‌دانستند. این یافته همگام با یافته‌های مطالعه Kline است که نشان داد که شدت علایم وابستگی به مواد متغییر مهمی برای ورود به درمان است [۷]. نارضایتی از شیوه‌های رایج درمان وابستگی به مواد، آخرین عامل در گرایش این درمان‌جویان به درمان بود. یافته‌ها نشان داد که پیش از ورود به درمان، مصاحبه شوندگان طیف وسیعی از درمان‌ها را امتحان کرده بودند که هیچ‌کدام هم منجر به درمان نشده بود. این یافته حاضر مبین نیاز جامعه به اطلاع‌رسانی در رابطه با متادون است.تاکنون پژوهشی در رابطه با نقش نارضایتی زنان از سایر درمان‌ها و بالطبع آن رجوع به درمان نگه دارنده متادون صورت نپذیرفته است و از این بابت نتایج این قسمت از پژوهش یافته نوینی است.

نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده نشان‌دهنده تأثیر عمیق اطلاع‌رسانی در سطح جامعه و نقش پررنگ اطرافیان موفق تحت درمان در ورود به درمان نگهدارنده با متادون است. بنابراین نکته مهم طراحی برنامه‌های درمانی بر اساس عوامل دخیل در

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.17353165.1392.12.8.1.9]

ورود به درمان در بین این گروه از زنان است که می‌تواند در تهیه و طراحی برنامه‌های پیشگیری و درمانی آنان مفید باشد. در این باره اطلاعات اندکی وجود دارد اما آنچه در ایران دیده می شود، حکایت از کمبود اطلاعات و لزوم انجام مطالعات بیشتر است. خوشبختانه توجه مسئولین بهداشتی و درمانی به این مسأله در کشور جلب شده است. اما هنوز مطالعات و اقدامات اندکی در این رابطه انجام شده است و تحقیق در این زمینه در ابتدای راه خود است و مطالعات بیشتر با حجم بالاتری از نمونه پیشنهاد می‌گردد.

تشکر و قدردانی

بدینوسیله از تمامی پژوهشگرانی که در امر جمع‌آوری داده‌ها و انجام مصاحبه‌ها یاری کرده‌اند به‌ویژه سرکار خانم سحر مرادی روانشناس مرکز درمان با متادون آینده در تهران، تشکر و قدردانی می‌شود.

References

[1] Yasami M, Shahmohamadi D, Naghavi M, Bagheriyazdi A, Zojaji A, Rahimimovaghar A, et al. A report on the prevalence on drug use in Islamic republic of Iran. Ministry of Health, treatment and medical education. Presidential head quarters. (2002).

[2] Rahimimovaghar A. Prevalence and patterns of drug use among women. *Social Welfare* 2004; 12: 203

[3] Bendtsen P, Dahlstrom M, Bjurulf P. Sociodemographic gender differences in patients attending a community-based alcohol treatment centre. *Addiction Behav* 2002; 27: 21-33.

[4] McGovern MP, Angres DH, Shaw M, Rawal P. Gender of physicians with substance use disorders: clinical characteristics, treatment utilization, and post-treatment functioning. Subst. *Use Misuse* 2003; 38: 993-1001.

[5] McLellan AT, Kushner H, Metzger D, Peters R, Smith I, Grissom G, Pettinati H, Argeriou M. The Fifth Edition of the Addiction Severity Index.Substance Abuse Treatment. 1992; 9: 199-213.

[6] National Center on Addiction and Substance Abuse (Columbia University). Under the Rug: Substance Abuse and the Mature Woman. New York: National Center on Addiction and Substance Abuse at *Columbia University*. 2007.

[7] Kline A. Pathways into drug user treatment: The influence of gender and racial/ethnic identity. *Subst Use Misuse* 1996; 31: 323-42.

[8] Dawson DA. Gender differences in the probability of alcohol treatment. *J Subst Abuse Treat* 1996: 8: 211-25.

[9] Kilpatrick DG, Acierno R, Resnick HS, Saunders BE, Best C. A 2-year longitudinal analysis of the relationships between violent assault and substance use in women. *J Consul Clin Psychol* 2009: 65: 834-47.

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.17353165.1392.12.8.1.9]

A Survey on Motivational Factors Associated with Entry to Methadone Maintenance Treatment Clinics amongWomen: A Short Report

M. Babakhanian[1], Z. AlamMehrjerdi[2], N. Sotodeh[3], Y. Shenaiy[4], S. Tavana[5]

Received: 18/02/2012 Sent for Revision: 12/11/2011 Received Revised Manuscript: 10/11/2012 Accepted: 12/11/2012

Background and Objective: Women are effected by addiction more than ever before and their presence in Methadone Maintenance Treatment Clinics are increasing.The present study was designed and conducted to explore motivational factors associated with entry to methadone maintenance treatment in women in the south-west of Tehran in 2010.

Materials and Methods: The present study was a cross sectional study in which sixty nine opium and heroin-dependent females were selected via access sampling from 16 addiction treatment clinics. After completing demographics based on Addiction Severity Index, a face to face interview was conducted. All data were analyzed by performing descriptive methods of statistics including average, standard deviation and percentage.

Results: The mean and standard deviation age of the respondents was 35±8.01 years. Data analysis indicated following factors 1). Receiving information from informant sources in the community for 34 respondents (49.17%), 2), Treated or in treatment success of relatives and friends for 31 respondents (44.72%), 3). Encouragement of healthy family members for 22 respondents (31.78%), 4). Need for family and child care for 19 respondents (27.58%), 5). Need to take methadone for relieving consequences of opiate use for 30 respondents (29.30%), and 6). Unsatisfaction with other treatment programs for addiction for 10 respondents (14.29%) were considered the most important motivations for entry to treatment.

Conclusion: The study results showed that profound sending information to the community, the role of the acquiantants and family members and also some other factors have effect on the seekers in entering the treatment.

Key words: Dependence, Women, Methadone maintenance treatment, Motivational factors

Funding: This study did not have any sources of funding.

Conflict of interest: None declared.

Ethical approval: The Ethics Committee of Tehran University of Medical Sciences approved the study.

How to cite this article: Babakhanian M, AlamMehrjerdi Z, Sotodeh N, Shenaiy Y. A Survey on Motivational Factors Associated with Entry to Methadone Maintenance Treatment Clinics among Women: A Short Report. *J Rafsanjan Univ Med Sci* 2013; 12(8): 667-72. [Farsi]

1- Social worker, Baradaran Rezaee Hospital, Semnan University of Medical Sciences, Semnan, Iran
(Corresponding Author) Tel: (0232) 5235111, Fax: (0232) 5242990, E- mail: Babakhanian.m@gmail.com
2- Psychologist, Iranian National Center for Addiction Studies (INCAS), Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
3- Assistant Prof., Dept. of Psychologist, Semnan University of Medical Sciences, Semnan, Iran
4- General Physician , Cheraghiyan MMT Center Of Damghan, Semnan University of Medical Sciences, Semnan, Iran
5- BSc Dept. of Psychology, Faculty of Psychology and Education, Tehran University, Tehran, Iran

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.17353165.1392.12.8.1.9]